



نقش و مسئولیت اجتماعی اساتید دانشگاه در ارتقای اخلاقی و تربیتی

دانشجویان

محسن کهتری^۱

چکیده

مسئولیت دانشگاه‌ها به‌عنوان آخرین سنگر تربیت فکری و فرهنگی جوانان، در آموزش منش‌های اخلاقی در سطحی که فرد را در فرایند متعهدانه اخلاقی نسبت به خود و دیگران در جامعه قرار دهد همواره مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. درباره نقش اساتید در تکمیل و توسعه این فرایند و شیوه‌های اجرایی آن، کمتر تحقیق همسویی مشاهده شده است. در این مقاله تلاش شده است ضمن بررسی مسئولیت اجتماعی اساتید در قبال شکل‌گیری الگوی اخلاقی صحیح و پسندیده در دانشجویان، به تجربیات موفق و یا شیوه‌های ممکن در این‌گونه ارتباطات تربیتی نیز پرداخته شود. از این‌رو پنج راهبرد اصلی در اثرگذاری اخلاقی اساتید بر دانشجویان یعنی: آمادگی‌های روحی و نگرشی، هدایتگری کلامی، تربیت عملی، فعالیت‌های علمی و تقویت صمیمیت، به‌ویژه در روابط میان فردی و اقدامات ذیل هر کدام مورد اشاره و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ارتقاء اخلاقی، نقش تربیتی، اساتید، دانشجویان

^۱. نویسنده مسئول: دکترای مدرّسی معارف اسلامی گرایش اخلاق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، رایانامه:

مقدمه

در تاریخ معاصر و به‌ویژه سالیان اخیر، دانشگاه‌ها، نقش بسزایی را در زندگی ایرانیان مانند دیگر کشورها بر جای گذاشته‌اند. بنا بر گزارش موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم در سال ۱۳۹۷، بیش از سه میلیون و هفت‌صد هزار نفر دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی، در دانشگاه‌های ایران مشغول به تحصیل بوده‌اند (ایسنا، ۱۳۹۷) که حدود یک‌سوم از جمعیت ۱۸ تا ۲۴ ساله کشور را در برمی‌گیرد. این عدد از دو جهت دارای اهمیت است: از طرفی تعداد زیادی از افراد جامعه را در برمی‌گیرد و تغییر و دگرگونی فضای دانشگاه و سطح فرهنگ دانشجویان می‌تواند تأثیرات زیادی را بر دیگر اقشار جامعه بر جای گذارد، از طرف دیگر این مقطع زمانی از زندگی انسان یکی از نقاط اساسی در شکل‌گیری هویت افراد است. بنا بر تحقیقات انجام‌شده یکی از مقاطعی که افراد با دگرگونی جدی در نگرش‌ها و باورهای خود مواجه گردیده و تحولی هویتی را تجربه می‌نمایند همین مقطع سنی و حضور در دانشگاه است. تأثیرگذاری این حضور به‌گونه‌ای است که می‌تواند بسیاری از نگرش‌های آنان را که از دوران کودکی با خود به دانشگاه آورده‌اند عوض کند و چه‌بسا در پرتو اطلاعات تازه‌ای که دریافت می‌کنند، نگرش‌های پیشین خود را دوباره ارزیابی نمایند. پژوهش‌ها نشان داده که این مواجهه می‌تواند چنان اثرات عمیقی در بسیاری از آن‌ها بر جای گذارد که حتی پس از فارغ‌التحصیلی و بازگشت به خانواده نیز این تغییر نگرش‌ها همچنان پایدار بماند و تا پایان عمر نیز همراه آن‌ها باقی بماند. از آنجاکه فضای فکری حاکم بر محیط افراد، نقشی تعیین‌کننده‌ای بر شکل‌گیری نگرش‌های آن‌ها دارد، در فضای دانشگاه به‌ویژه محیط کلاس و گفتگوی بین اساتید و دانشجویان که محل برخورد آرا و عقاید، مقایسه و بحث و بررسی دیدگاه‌های مختلف در تمام زمینه‌های درسی و غیردرسی با یکدیگر است نیز احتمال تغییر نگرش‌ها برای دانشجویان به‌مراتب بیش از افراد معمولی جامعه است. (کریمی، ۱۳۸۲: ۲۳۲).

در این میان، با بررسی مجموعه عوامل تأثیرگذار بر سطح فرهنگی و اخلاقی دانشجویان می‌توان به این نتیجه رسید که استادان مهم‌ترین عامل در تعلیم و تربیت دانشجویان هستند و امکان تأثیر و نقش‌آفرینی آن‌ها بر روحیات و اوصاف و سبک زندگی دانشجویان شاید با هیچ عامل فرهنگی و هنجار ساز رسمی دیگر در ساختار دانشگاه قابل مقایسه نباشد. این اثرگذاری از جهات مختلف قابل بررسی است. ۱. ارتباط زیاد و طولانی‌مدتی که اساتید با دانشجویان در کلاس و حواشی آن برقرار می‌کنند به‌نحوی که می‌توان گفت هیچ مجموعه‌ای در داخل دانشگاه، چنین مدت‌زمان و فرصت ارتباط و گفتگو با دانشجویان را ندارد. ۲. نقش اسوه بودن و الگودهی که اساتید برای دانشجویان خود دارند. تأثیرگذاری الگوها و سرمشق‌ها در رفتار انسانی همواره در آموزه‌های دینی و نظریات روانشناسی خصوصاً نظریه یادگیری اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است (شجاعی، ۱۳۸۸: ۱۹۱). «در

بین موجودات، هیچ موجودی به اندازه انسان الگوپذیر نیست و اگر مطالعه‌ای روی رفتارهای انسان انجام شود، روشن می‌شود که بسیاری از شیوه‌های رفتاری و گفتاری و حتی شیوه‌های فکری و اعتقادی او، چه در جنبه مثبت و چه در جنبه منفی، از راه تقلید و همانندسازی است» (شجاعی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). اساتید به عنوان گروه مرجعی که دانشجویان معمولاً آن‌ها را به عنوان افرادی موفق، محبوب و تأثیرگذار در اجتماع می‌بینند، می‌توانند نقش الگو و راهبر را برای آن‌ها ایفا نمایند به نحوی که موفقیت استاد در رشته تحصیلی و یا رشته شغلی خود باعث می‌شود تا دانشجویان به این نکته توجه کنند که استاد با چه نوع فکر، نگرش و خلق و خویی توانسته است آن نقطه آرمانی را به دست آورد. ۳. به جهت اینکه اساتید رشته‌های مختلف می‌توانند مفاهیم اخلاقی و نکات آموزنده را به گونه‌ای غیرمستقیم مطرح نمایند، در نتیجه تأثیرگذاری غیرمستقیمی بر دانشجوی خود دارند. تأثیرگذاری غیرمستقیم از آن جهت که با جبهه‌گیری و مقابله مخاطب مواجه نمی‌شود می‌تواند اثرات بیشتری بر فرد مخاطب داشته باشد. درواقع یکی از عواملی که می‌تواند مانعی در مقابل تأثیرگذاری آموزش‌های اخلاقی گردد، ذهنیت مخاطب نسبت به این گونه مباحث است که احساس می‌کند دیگران می‌خواهند بر روی وجود و شخصیت او تأثیرگذار باشند اما آنگاه که نکات اخلاقی، به شکل عملی و یا در ذیل مفاهیم و گزاره‌های درسی غیر مرتبط با مباحث اخلاقی مطرح می‌گردد این ذهنیت، کم‌رنگ‌تر خواهد شد. چنین عواملی می‌تواند زمینه‌ساز تربیت دانشجویان توسط رفتار و گفتار اساتید گردد. در بسیاری از اوقات خود دانشجویان اذعان کرده‌اند که دریافت یک نکته اخلاقی از استاد غیر مرتبط به مباحث معارفی و اخلاقی گاهی زندگی آن‌ها را دگرگون کرده و یا نگاهشان به آینده را تغییر داده است؛ همت و اراده دوچندان در آن‌ها پدید آورده و زمینه‌ساز موفقیت‌های مختلف در زندگی گردیده است. در مقابل چه بسا اساتیدی که بدون توجه به اثرگذاری فراوانشان بر شخصیت و روحیه دانشجویان، با رفتارهای غیراخلاقی و یا طرح مباحث ناامیدکننده، منفی‌نگری و ارائه الگوهای مخالف هنجارهای اخلاقی، بدون اینکه بدانند سرنوشت دانشجویان را با چالش جدی مواجه می‌کنند. چه بسا استادی که در عرصه اجتماع با تجربیات منفی مواجه شده- که شاید واقعیات اجتماعی نیز باشد- ولی طرح آن با جوانانی که در ابتدای حرکت در زندگی خود باید امیدوار و فعال و پویا باشند، می‌تواند مانع بزرگی در حرکت جدی آن‌ها بر جای گذارد که دیگر با هیچ عامل دیگری قابل جبران نباشد. از این رو مقتضی است که اساتید دانشگاه در رشته‌های مختلف و گرایش‌های گوناگون، به نقش تاریخی و مسئولیت اجتماعی خود در تأثیرگذاری بر ساختار شخصیت و هویت دانشجویان و به تبع آن بخش وسیعی از جامعه توجه نموده و از این فرصت پدید آمده، به عنوان یک نعمت الهی و وظیفه شرعی، بیشترین بهره‌برداری را بنمایند. تأکید بر اهمیت و اجر اخروی اساتید و دانشمندانی که بایان

خود، از شاگردان و دانشجویان، دستگیری معنوی و اخلاقی می‌نمایند. در روایات متعددی از ائمه طاهرین (صلوات الله علیهم اجمعین) مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، امام محمدباقر (علیه‌السلام) ضمن تجلیل از استادی که طالبان علم را فضیلت آموخته و از آتش جهنم نجات داده است، پاداش چنین شخصی را ارزشمندتر از پاداش صدقه‌ای مالی هم‌وزن صد هزار خروار و هزار رکعت نماز در کنار خانه کعبه دانسته (مجلسی، ۱۳۶۲)^۲ و رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) اجر هدایت یک انسان را برتر از هرآن چه خورشید بر آن بتابد بیان فرموده است (کلینی، ۱۳۶۹)^۳. همچنین امام حسین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «زمانی که فردی سرپرستی ایتم فکری و فرهنگی مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) را به عهده گرفته و او را از معارفی که از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) استفاده نموده، بهره‌مند سازد و با تعالیم خود او را به حق و حقیقت رهنمون گردد، خداوند متعال به فرشتگان خود می‌فرماید: ای فرشتگان، برابر هر حرف و سخنی که این بنده من به دیگران گفته است، هزار کاخ و منزلگاه متنوع و آرام‌بخش را در بوستان‌های بهشت برای او فراهم‌سازید و هرگونه نعمت‌هایی را که درخور این کاخ‌ها و پناهگاه‌های آسایش‌بخش است بدان‌ها ضمیمه نمایید» (مجلسی، ۱۳۶۲)^۴. فرصت ارتباط با جوانان و نخبگان فکری جامعه، علاوه بر انتقال مفاهیم درسی و تخصصی، باید به‌عنوان مهلتی برای تربیت شهروندانی بالیمن، اخلاق مدار، آشنا با مسئولیت‌های اجتماعی و دغدغه‌مند خدمت به دیگران، مورد‌استفاده قرار گیرد. اساساً فقط آموزش رسالت مراکز آموزشی و اساتید آن نیست و نباید فعالیت‌های تربیتی را جدا و مغایر با اهداف دانشگاهی دانست. این مقاله تلاشی است تا به بررسی امکان و نحوه تأثیرگذاری اخلاقی اساتید بر رفتارها و گرایش‌های اخلاقی دانشجویان پرداخته و در حد خود تجربیات و ایده‌هایی را برای نحوه اثرگذاری آن‌ها در فضای دانشگاهی و بر اخلاق دانشجویان، به‌عنوان اولین گام‌ها برای شکل‌گیری دیگر پژوهش‌های مرتبط ارائه و بررسی نماید.

^۲ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «الْعَالِمُ كَمَنْ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ فَكُلُّ مَنْ أَبْصَرَ بِشَمْعَتِهِ دَعَا بِخَيْرٍ كَذَلِكَ الْعَالِمُ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُزِيلُ ظُلْمَةَ الْجَهْلِ وَالْحَيَرَةِ فَكُلُّ مَنْ أَضَاءَتْ لَهُ فُجِّرَ بِهَا مِنْ حَيَرَةٍ أَوْ نَجَّى بِهَا مِنْ جَهْلٍ فَهُوَ مِنْ عَتَقَاتِهِ مِنَ النَّارِ وَاللَّهُ يَعْوضُهُ عَنْ ذَلِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ لِمَنْ أَعْتَقَهُ مَا هُوَ أَفْضَلُ لَهُ مِنَ الصَّدَقَةِ بِمِائَةِ أَلْفٍ قِنْطَارٍ عَلَى الْوَجْهِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ بَلْ تِلْكَ الصَّدَقَةُ وَبِالْأَلْفِ عَلَى صَاحِبِهَا لَكِنْ يُعْطِيهِ اللَّهُ مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفٍ رَكْعَةٍ يُصَلِّيُهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيِ الْكَعْبَةِ».

^۳ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ -صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ- «بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْيَمَنِ وَ قَالَ لِي: يَا عَلِيُّ، لَا تَقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ، وَ إِيْمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَكَ وَلَاؤُهُ يَا عَلِيُّ».

^۴ الإمام الحسين عليه السلام: «مَنْ كَفَلَ لَنَا يَتِيمًا قَطَعَتْهُ عَنَّا مَحَبَّتُنَا بِاسْتَارِنَا، قَوَّاسُهُ مِنْ عَلْمُونَا الَّتِي سَقَطَتْ إِلَيْهِ حَتَّى ارْتَدَّ وَ هَدَاهُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَيُّهَا الْعَبْدُ الْكَرِيمُ الْمَوَاسِي، أَنَا أُولَى بِالْكَرَمِ مِنْكَ، اجْعَلُوا لَهُ يَا مَلَائِكَتِي فِي الْجَنَّةِ بَعْدِي كُلَّ حَرْفٍ عَلَّمَهُ أَلْفَ أَلْفٍ قِصْرِ وَ ضَمُّوا إِلَيْهَا مَا يَلِيْقُ بِهَا مِنْ سَائِرِ النِّعَمِ».

روش‌شناسی

عمده مطالب این مقاله تجربیاتی است که یا نگارنده خود در طول فعالیت علمی و تدریس به کار برده است یا از دیگر اساتید دانشگاهی شنیده است. البته بخشی از پیشنهادها نیز بر پایه‌ی ایده پردازی و در نظر گرفتن شرایط موجود در دانشگاه‌ها و امکان‌سنجی تحقق چنین برنامه‌هایی پیشنهاد شده است. به جهت اینکه در موضوع این مقاله، مقالات و یا کتب دیگری به شکل مستقل و با ربط مستقیم یافت نشد، صرفاً برای تأیید و تقویت برخی ابعاد برنامه‌های پیشنهادی، از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده گردیده است.

نتایج

گرچه روش‌های تأثیرگذاری اخلاقی اساتید بر دانشجویان بسیار زیاد و متنوع است و در ظرف یک مقاله نخواهد گنجد اما در این فرصت، تلاش شده تا اهم موارد مدنظر، در پنج راهبرد اصلی و اقدامات ذیل هر کدام، ارائه و تحلیل گردد.

آمادگی‌های فکری و نگرشی

به جهت اینکه به‌کارگیری اندیشه و انگیزه مناسب و همسو با هر کار، لازمه موفقیت در آن کار است، در اینجا به چند مورد از عوامل فکری و نگرشی لازم برای تأثیرگذاری تربیتی اساتید اشاره می‌شود. اخلاص در نیت و استعانت از پروردگار؛ از آنجاکه بنا بر آیات و روایات متعدد، هدایت تنها در دست خداست و هیچ فردی مستقلاً در این امر تأثیرگذار نخواهد بود؛^۵ لازمه دستیابی به این رتبه ارزشمند یعنی تربیت نسل توحیدی و انسان‌هایی رو به کمال، فضل و عنایت پروردگار است. از این‌رو اولیای الهی از خداوند متعال می‌خواسته‌اند که به آن‌ها این لطف را عنایت فرماید و آن‌ها را واسطه فیض و هدایت بندگان قرار دهد.^۶ کسب توفیق اساتید برای ایفای نقش هدایت‌گری و تربیت دیگران نیز نیازمند تصحیح نیت و انگیزه افراد در تعلیم و تربیت و استعانت از درگاه باری تعالی است. این نیت پاک و عمل مخلصانه‌ی استاد است که می‌تواند زمینه‌ساز هدایت دانشجو شده و کلام و رفتار او را بر دل‌وجان دانشجویان مؤثر گرداند. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هر که رابطه میان خود

^۵ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ... ای رسول ما، چنین نیست که هر کس را تو دوست بداری هدایت توانی کرد لیکن خدا هر که را خواهد هدایت می‌کند. (سوره قصص، آیه ۵۶).

^۶ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا: و کسانی اند که می‌گویند: پروردگار! به ما از ناحیه‌ی همسران و فرزندانمان مایه‌ی روشنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده (سوره فرقان، آیه ۷۴).

و خدا را نیکو سازد، خداوند نیز رابطه او را با مردم نیکو سازد»^۷ (نهج البلاغه، حکمت ۸۹) و سخنی از امام رضا (علیه‌السلام) نیز بر این نکته تأکید دارد که هر کس خدا را اطاعت کند، دیگران نیز او را اطاعت کرده و از او حرف‌شنوی خواهند داشت^۸ (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۳۷). همچنین تلاش برای پاک‌سازی انگیزه‌ها، زمینه را برای بروز آفتی مانند خودستایی بی‌مورد، ریا و سمعه و یا علاقه به مرید پروری احساسی و به دور از تفکر و عقلانیت مسدود خواهد نمود. دوست داشتن و محبت ورزی نسبت به دانشجویان: یکی از مهم‌ترین ارکان ارتباط و تأثیرگذاری تربیتی بر دانشجویان محبت و علاقه قلبی استاد به دانشجو است. درواقع این محبت استاد است که زمینه را برای ارتباط مؤثر و صمیمی با دانشجویان مهیا می‌کند و دغدغه و دلسوزی معلم و استاد را برای رفع مشکلات دانشجویان و ارتقاء اخلاقی و معنوی آن‌ها و ایجاد زمینه برای موفقیت آن‌ها در زندگی فراهم می‌نماید. امیر المومنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: کسی که چیزی را دوست بدارد، به یاد و ذکر آن شیفته شود (پیوسته به یاد او خواهد بود)^۹ (آمدی ۱۳۷۹: ۲۲۰). طبیعی است که بدون وجود چنین محبت و علاقه‌ای، اساتید صرفاً به حداقل وظایف اداری‌شان عمل می‌کنند و شوق و علاقه‌ای برای ورود به عرصه‌های غیردرسی به‌ویژه مباحث اخلاقی و فرصت گذاشتن برای دانشجویان نخواهند داشت. به تعبیر بزرگان، عشق و محبت به شاگردان، شاه‌کلید معلمی است. دغدغه برای شناخت و رفع مشکلات فکری و فرهنگی دانشجویان: واضح است که ارتباط‌گیری و تأثیرگذاری بر افراد، بدون مخاطب شناسی دقیق امکان‌پذیر نیست. ارتباط با جوانان به‌ویژه قشر دانشجو در عصر حاضر نیز از این قاعده مستثنا نیست و باوجود تکثر عوامل بسترساز برای گرایش و حرکت به سمت ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی، شناخت روحیات جوان، پیچیدگی‌های رفتاری و خطرات پیش روی او ازجمله ضروریات فعالیت تربیتی خواهد بود. برای نیل به این مقصود، علاوه بر مطالعه کتب تربیتی و عارضه‌یابی مشکلات و معضلات اخلاقی در جامعه و به‌ویژه در سطح دانشگاه، اساتید می‌توانند با تشکیل جلسات، کانون‌ها و دوره‌هم نشینی‌های استادی، به طرح مشکلات و تلاش برای شناسایی راهکارها و پی‌جویی روش‌های حل این‌گونه مسائل بپردازند و مطالبه‌گری مناسب و به‌موقع پیرامون آن‌ها از سطوح سیاست‌گذاری و مدیران دانشگاهی را نیز در دستور کار خویش قرار دهند.

^۷ مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ.

^۸ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعُ.

^۹ مَنْ أَحَبَّ شَيْئاً لَهْجَ بَذِكْرِهِ.

هدایت‌گری کلامی

یکی از مشکلات دانشجویان این عصر، عدم آشنایی کافی و درک صحیح از معارف و آموزه‌های دینی است. از این رو جان تشنه و جویای معنویت جوانان دانشجو در پی پاسخ به سؤالات و شبهاتی است که به‌ویژه امروزه با وجود فضای مجازی و فعالیت بنگاه‌های شبهه‌پراکنی، روز و شب بر آن‌ها هجوم آورده و مانند ریگ‌هایی در کفش، مانع جهش معنوی آنان به سوی آرمان‌های اخلاقی و انسانی می‌گردد. از آنجاکه یکی از مهم‌ترین امتیازات اساتید برای تأثیرگذاری بر روی مخاطبین در اختیار داشتن کلاس و امکان صحبت با دانشجویان است، مقتضی است که چنین فرصتی برای راهبری فرهنگی دانشجویان نیز به کار گرفته شود. چه زیبا است که استاد متخصص، دغدغه‌مند و مورد اعتماد دانشجویان بتواند با طرح مباحث اخلاقی، ارائه استدلال‌ها و تحلیل‌های منطقی و قانع‌کننده درباره باورها و رفتارهای دینی، تاندازهای این موانع فکری را از ذهن شاگردانش بزداید. برای دستیابی به این هدف، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود. ارائه نکات اخلاقی به شکل منظم یا مناسبتی: مانند شروع کردن و یا پایان دادن به کلاس‌ها با خواندن یک حدیث، آیه، حکایت یا تمثیل اخلاقی یا استفاده از کلام بزرگان علم و یا استفاده از موقعیت‌های زمانی و توجه به مناسبت‌ها و طرح یک نکته مرتبط با آن‌ها در ابتدای کلاس و به شکل مقدماتی و یا در خاتمه آن. مرحوم شهید ثانی در این باره می‌گوید: «باید درس‌ها با نصایح اخلاقی پایان گیرد. معلم باید در خاتمه درس خود، نکات ظریف اخلاقی و حکمت‌ها و اندرزها و مطالبی را که قلب و اندرون انسان را تصفیه و پالایش می‌کند به شاگردان القاء نماید تا شاگردان خالصانه و همراه با خشوع و انعطاف درونی و تواضع و خلوص نیت و صفای باطن، از جلسه درس پراکنده شوند زیرا بحث صرف و مذاکره‌ی علمی خشک و عاری از مسائل عاطفی و اخلاقی، نیرویی را در دل‌ها به هم می‌رساند که گاهی از قساوت و سخت‌دلی سر برمی‌آورد لذا او باید با القاء مطالب سودمند در هر لحظه و زمانی، محرک دانشجو باشد تا به علم و دانش با آمیزه اخلاص، روی آورد و او را به‌منظور استكمال معنوی‌اش تحت مراقبت گیرد و میدانیم هیچ انگیزه‌ای بهتر و شایسته‌تر از نصایح اخلاقی معلم آن‌هم به هنگام فراغ از درس نیست» (شهید ثانی، ۱۳۸۹: ۳۲۵). البته به نظر می‌رسد با توجه به امکان خستگی فکری و روحی دانشجویان در انتهای کلاس، طرح این‌گونه مباحث در ابتدا، مناسب‌تر و مؤثرتر باشد. مناسب است که مجموعه‌های معارفی دانشگاه مانند دفاتر نهاد رهبری و یا گروه‌های معارف نیز بتوانند همراه و زمینه‌ساز ارائه مباحث توسط اساتید باشند. همچنین این مجموعه‌ها می‌توانند با برگزاری جلسات هم‌اندیشی اساتید با موضوع نحوه طرح مواضع اخلاقی و تجربیات خود درباره چگونگی ارتباط دادن مباحث علمی با نکات اخلاقی در هر گروه آموزشی، ایده و انگیزه بیشتری به اساتید برای ورود به این عرصه فراهم نمایند. البته اساتید بعد از

آماده‌سازی نکات اخلاقی برای یک‌بار، می‌توانند در ترم‌های بعد نیز از همان مطالب استفاده کنند. طرح نکته‌ای دینی یا اخلاقی در میان دیگر مباحث علمی: معمولاً در بین مباحث علمی غیر مرتبط با مباحث اخلاقی، نقاط ارتباطی وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان گریزی به یک نکته اخلاقی مورد استفاده قرار گیرد. استاد می‌تواند قبل از تدریس، این گریزها را مورد توجه قرار دهد و برای طرح مباحث آن آماده شود و هر ترم هنگام رسیدن به آن بخش به مناسبت، نکات خود را مطرح نماید. برای این‌گونه مباحث می‌توان در علوم انسانی به‌حسب رشته درسی، از کتب علمی با گرایش اسلامی مانند مدیریت، روانشناسی و اقتصاد اسلامی استفاده کرد یا در علوم دیگر مانند علوم پایه و رشته‌های فنی با توجه به اینکه در نظر برخی اندیشمندان اسلامی، همگی این علوم دینی است، می‌توان از این فرصت استفاده کرد و به مباحث ارتباط علم و دین و تبیین ماهیت علوم دینی مانند توجه به گزاره‌های علم به‌منزله کشف فرمول از خلقت الهی و اصلاح انگیزه‌ها برای تحقق عبودیت توجه داد. آیت‌الله جوادی آملی در این‌باره می‌گوید: «دانشگاه ما غرق در دین است منتها خیال می‌کند علم سکولار است، مثل اینکه یک ماهی از سایر ماهی‌ها سؤال کرد اینکه می‌گویند آب، آب چیست؟ به او گفت تو غرق در آبی نمی‌دانی آب چیست، مگر می‌شود دانشجو، دانشگاه، استاد دانشگاه حرفش غیردینی باشد؟! یعنی الآن اگر کسی در حوزه قم بحث بکند که امام صادق (علیه‌السلام) چه کارهایی کرد یا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) چه کارهایی کرد این می‌شود علم دینی ولی استاد دانشگاه که در دانشگاه می‌گوید خدا چنین کرد این دینی نیست؟!» (خبرگزاری مهر، آذر ۱۳۹۳) «یک‌وقت علم انسان در این است که من چه کار کنم، مثل سینما که علم آن‌ها این است که من چطور بازی کنم؛ من بازی کنم یا هنرنمایی کنم، این می‌تواند دینی باشد، می‌تواند غیردینی؛ برای اینکه درباره فعل انسان بحث می‌کند اما علوم دیگر، فیزیک، شیمی، ریاضی، تمام علوم تجربی و تمام علوم انسانی، این‌ها درباره حقایق خارجیه است. در جهان هستی چیزی جز فعل خدا نیست؛ در جهان هستی خدا هست و اسما، اوصاف، افعال، اقوال و آثار او. در عالم غیر از این چیز دیگر نیست؛ بخشی از این‌ها به شیمی و فیزیک برمی‌گردد، بخشی به ریاضی برمی‌گردد، بخشی به علم کلام برمی‌گردد، بخشی به علم فلسفه برمی‌گردد، بخشی به عرفان نظری برمی‌گردد ... علم آن است که به‌واقع تعلق بگیرد، واقع هم فعل خداست، بررسی فعل خدا هم فرض ندارد که دینی نباشد ...» (جوادی آملی، ۱۳۹۳) ایشان در توصیه‌ای به اساتید دانشگاه کشورهای اسلامی ابراز داشتند: «اساتید باید علم دینی را در دانشگاه‌ها ترویج کنند، وجود نمازخانه و نماز جماعت دانشگاه را اسلامی نمی‌کند. آنچه دانشگاه را اسلامی می‌کند علم دینی است و منظور از علم دینی انحصار در تفسیر و روایات و حدیث نیست... اکنون در دانشگاه‌ها لاشه علم تدریس می‌شود، مثلاً در رشته زمین‌شناسی می‌گویند که زمین چنین بوده است، اکنون در این حالت

است و پیش‌بینی می‌شود در آینده چنین شود! این لاشه‌ی علم زمین‌شناسی است، آنچه این علم را زنده می‌کند این است که بگوییم چه کسی زمین را آفرید، چرا آفرید و وظیفه ما در قبال او چیست؟! این مسائل، دینی بودن معلوم علم را تأمین می‌کند، درباره سایر علوم نیز همین‌گونه است.» (خبرگزاری رسا، ۱۳۹۸) اساساً اگر کسی با نگاه توحیدی به هستی بنگرد، هرچه به عجایب هستی و دقایق علوم دانتر شود، بیشتر به عظمت علم و حکمت و تدبیر الهی پی خواهد برد و اگر آن علم را برای خدمت به بندگان خدا به کار گیرد، هر تلاشی که در فرایند فراگیری آن علم به کار گرفته، عبادت پروردگار متعال و مایه تقرب به او خواهد بود. بیان لوازم تحقق آینده‌ای موفق در زندگی دانشجویان: یکی از دغدغه‌های دانشجویان، داشتن تصویری شفاف از زندگی پیش رو و تضمین‌های لازم برای موفقیت در آینده علمی، شغلی و خانوادگی خویش است. این هنر استاد است که چگونه مباحث اخلاقی را به آینده موفق دانشجویان پیوند دهند به نحوی که آن‌ها دریابند که اگر می‌خواهند از آینده‌ای موفق و ایدئال در زمینه‌های مختلف برخوردار باشند، باید با انتخاب سبک زندگی اخلاق مدار، اصول و ارزش‌های خاصی را بر رفتار و جهت‌گیری‌های خود حاکم نموده و خود را بدان ملتزم نمایند. مباحثی مانند داشتن اهداف بلند، همت، پشتکار و اراده قوی، دوری از تعجیل بی‌مورد، دوری از ناامیدی و افسردگی، مثبت اندیشی، مسئولیت‌پذیری، نظم، صبر و خود نگهداری، افتخار به هویت اسلامی ایرانی و توجه به وظائف سازمانی، ازجمله موضوعاتی است که می‌توانند در آینده دانشجویان و موفقیت در عرصه‌های گوناگون زندگی آنان، تأثیرات فراوانی را بر جای گذارند. همچنین طرح مباحث اخلاق حرفه‌ای مرتبط با هر رشته علمی نیز در میان مباحث علمی، متناسب و پسندیده است. ارجاع به منابع اخلاقی: اساتید می‌توانند با معرفی منابع گوناگون فرهنگی و اخلاقی شامل کتاب، مقاله، سایت و حتی پادکست‌های صوتی و فیلم‌های مستند و داستانی تأثیرگذار، دوره‌های آموزشی و همایش‌ها و کارگاه‌ها و یا شخصیت‌های علمی تأثیرگذار و مرتبط با رشته، جهت‌دهی مناسبی به سبک زندگی دانشجویان خود دارد و به شکل غیرمستقیم و بدون تخصیص زمان زیادی برای طرح مباحث اخلاقی در کلاس، وظیفه هدایت‌گری اخلاقی دانشجویان را به‌خوبی ایفا نمایند. استفاده از روش برگزاری جلسات گفتگوی دانشجویی، گعده‌های علمی، آزاداندیشی در موضوعاتی غیرعلمی و مورد دغدغه و علاقه هردو طرف و حضور پررنگ اساتید در نشست‌های هم‌اندیشی در دانشگاه‌ها نیز می‌تواند زمینه‌ساز طرح موضوعات اخلاقی و آداب زندگی برای دانشجویان باشد. ارائه تجربیات زیست خود اساتید: آنچه اساتید در زندگی خود مشاهده و آموخته‌اند، یکی از درس‌آموزترین مباحث برای دانشجویان است که نباید ارائه این تجربیات را از دانشجویان دریغ نمود. شایسته است که اساتید، مانند پدری مهربان و دلسوز تجربیات ارزشمند خود را در اختیار فرزندان روحی و معنوی خود قرار دهند و با در نظر

گرفتن همه ابعاد زندگی دانشجویان برای راهبری آن‌ها، تلاش نمایند. چه‌بسا مشاهده‌شده که استادی باوجود داشتن توان علمی و اجرایی بسیار والا و تجربیات فراوان در مورد گام‌های موفقیت در زندگی و یا حتی در مورد حواشی مرتبط با همان رشته علمی تدریس شده، حتی یک‌بار نیز در کلاس حاضر به عرضه آن‌ها برای دانشجویان نمی‌شود. این امر می‌تواند به عوامل متعددی بازگردد که ازجمله می‌توان به تواضع استاد و دوری از اظهار فضل و ریا اشاره کرد. درحالی‌که در آموزه‌های دینی به بیان این‌گونه نکات که در حقیقت اظهار نعمت‌های الهی و به‌گونه‌ای شکر عملی از نعمت علمی یا عملی پروردگار در زندگی افراد است تأکید شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَمَّا نِعْمَةُ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (سوره ضحی، آیه ۱۱) حضرت صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «معنای آیه این است که آنچه را خداوند به تو عطا فرموده و برتری که به تو بخشیده و آنچه را که به تو روزی کرده و احسانی که به تو نموده و هدایتی را که ارزانیات داشته بازگو کن»^{۱۰} (طبرسی، ۱۴۲۷). از سویی ممکن است علت عدم ورود اساتید، پرهیز از اتهام غیرتخصصی صحبت کردن آن‌ها در کلاس توسط دانشجویان باشد که این نیز باقوت و علمیت بیان استاد و اخلاص و صداقتی که دانشجو از ایشان مشاهده می‌کند، مرتفع خواهد گردید. البته چه‌بسا افرادی همیشه از رفتار دیگران به‌خصوص در زمینه‌های ارزشی، دید مثبتی نداشته و مخالف باشند که اساتید محترم با توجه به انگیزه کسب رضای الهی و اولویت انجام‌وظیفه و تکلیف دینی خود، در طول زمان و به نرمی، دانشجویان را همراه خواهند نمود. البته ازجمله مخاطرات ورود اساتید به این‌گونه مباحث، صحبت درباره موضوعاتی تخصصی و یا پیچیده و پر چالش است که نیازمند اطلاع وسیع و عمیق از آموزه‌های دینی است. در این‌گونه مباحث از آنجاکه ممکن است از طرف دانشجویان پرسش‌ها و شبهاتی مطرح گردد که بعضاً نیازمند پاسخی مناسب و دقیق بوده و علاوه بر اقناع فرد سؤال‌کننده، برای دیگر دانشجویان نیز سؤال و شبهه جدید ایجاد نکند، از این‌رو مناسب است که اساتید به مباحث عمومی و یا آنچه برای آن مطالعه کردند و آمادگی پاسخ به سؤالات مطرح‌شده را دارند بسنده کنند و در صورت طرح سؤالات تخصصی از طرف دانشجویان، آن‌ها را به منابع موثق مرتبط ارجاع دهند. ضمناً طرح مباحث سیاسی و جناحی که ممکن است باعث سوگیری و جبهه‌بندی دانشجویان با استاد شود و کار تربیتی و حتی آموزشی را در ادامه با مشکل مواجه نماید نیز مناسب ارائه عمومی در کلاس نیست و در صورت علاقه و احساس وظیفه استاد برای ورود به این‌گونه مباحث، می‌توان به کلیات و ترجیحاً بدون نام بردن از افراد بسنده نمود.

^{۱۰} «مَعْنَاهُ اَذْكُرْ نِعْمَةَ اللَّهِ وَ اَظْهَرْهَا وَ حَدِّثْ بِهَا وَ فِي الْحَدِيثِ: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْقَلِيلَ لَمْ يَشْكُرِ الْكَثِيرَ وَ التَّحَدَّثُ بِنِعْمَةِ اللَّهِ شُكْرٌ وَ تَرْكُهُ كُفْرٌ» ... قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَعْنَاهُ فَحَدِّثْ بِمَا اَعْطَاكَ اللَّهُ وَ فَضَّلَكَ وَ رَزَقَكَ وَ احْسِنْ اِلَيْكَ وَ هِدَاكَ»

تربیت عملی

اساس مکتب تربیتی اسلام بر عمل استوار است. در آموزه‌های مختلف دینی اهمیت تأثیرگذاری اخلاقی بر دیگران توسط عمل به‌جای سخن و کلام تأکید گردیده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «با غیر زبان‌هایتان مردم را دعوت کنید» (کلینی، ۱۳۶۹، ۷۸/۲)^{۱۱} و از حضرت امام علی (ع) چنین حکایت شده است: «هر کس خویش را پیشوای دیگران قرارداد، باید اصلاح خویش را بر اصلاح دیگران مقدم بدارد و پیش از آن‌که مردم را با زبان خود دعوت نماید، با سیرت و رفتار خود دعوت کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳)^{۱۲}. در مباحث روانشناسی نیز بر آموزش توسط رفتار و یادگیری مشاهده‌ای تأکید شده است. اساتید دانشگاهی می‌توانند به شکل عملی ارزش‌های اخلاقی را در کلاس و حواشی آن ترویج کنند و با توجه و رعایت اخلاق حرفه‌ای مرتبط به اساتید مانند وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت، دانش و اطلاعات به‌روز، پوشش مناسب، خوش‌رویی، رعایت آداب اخلاقی و پرهیز از عصبانیت و خشونت، بهترین الگو را پیش روی دانشجویان خود قرار دهند. همچنین اساتید می‌توانند در شیوه برخورد و روش ارتباطی با دانشجویان، ترویج گر فضایل اخلاقی محوری مانند حق‌جویی و حق‌مداری، حفظ کرامت نفس خود و دیگران، توجه به نظم و قانون‌مداری در رفت و آمد و نحوه اداره کلاس (پیش‌بینی پذیر بودن)، رعایت حقوق دیگران، انتقادپذیری و ... باشند. به‌عنوان مثال گاهی ممکن است استاد در نحوه نمره دادن و یا حضور و غیاب دانشجویان به آن‌ها وعده یا وعیدی دهد که ممکن است خود فراموش نماید. در چنین مواقعی گرچه فراموشی یا عدم التزام استاد به گفته خود، بعضاً موجب خوشحالی دانشجویان می‌گردد اما در درون فطرتشان این قضاوت اخلاقی را نسبت به استاد خواهند داشت که او شخص متعهدی نیست و نمی‌توان به‌عنوان الگویی اخلاقی به او نگریست. یا زمانی که مشخص می‌شود حق با دانشجو است، استاد با شهامت این حق را به دانشجو داده و از گفتن آن ابایی نداشته باشد. یا در نحوه رفتار و ارائه تکلیف به نحوی با دانشجو برخورد شود که او در خود احساس کرامت نفس کند و قدرت خود مدیریتی و خودکنترلی و انگیزه درونی‌اش تقویت شود. در مقابل، به‌کارگیری بعضی از روش‌های آموزشی یا نظارتی باعث تحقیر نفس دانشجویان، تضعیف انگیزه‌های درونی و انتقال قانون کنترل^{۱۳}، از درون به بیرون خواهد شد. چنین رفتاری، نتیجه اخلاقی و روانی خود را در درازمدت در تضعیف عزت‌نفس افراد نمایان خواهد نمود. همچنین سخت‌گیری‌های بی‌جای

^{۱۱} کونوا دعاة للناس بغير ألسنتکم.

^{۱۲} من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره وليكن تأديبه بسيرة قبل تأديبه بلسانه و معلم بنفسه و مؤدبها احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم.

^{۱۳} Locus of Control.

آموزشی و تصمیمات تند و استفاده ابزاری و افراطی از نمره توسط بعضی از اساتید می‌تواند تأثیرات منفی را بر روحیه دانشجویان برجای گذارد. استفاده از روش‌های مسئله محوری به جای خودمحوری، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی، باجرئت پروراندن دانشجویان در مباحث علمی و حرکت دادن به سمت نواندیشی و تولید علم و تحقق نهضت نرم‌افزاری نیز از جمله اولویت‌های تربیتی دانشجویان است که مناسب است مدنظر اساتید قرار گیرد. حضور در برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در دانشگاه مانند اردوهای جهادی یا هیئت دانشجویی و یا شرکت در نماز جماعت و مسجد دانشگاه و اهتمام عملی به موضوع نماز به عنوان محوری‌ترین عامل نجات‌بخش معنوی و اخلاقی انسان و یا حتی همراهی و هم‌صحبتی گاه‌به‌گاه اساتید با دانشجویان در سلف دانشجویی و یا فضاهای خوابگاهی نیز می‌تواند از جمله روش‌های تأثیرگذاری عملی اساتید بر قلب و فکر جوانان دانشجو مدنظر قرار گیرد.

گسترش و جهت‌دهی به فعالیت‌های علمی

یکی از مواردی که ممکن است در اخلاقی شدن فضای دانشگاه و دانشجویان و فاصله گرفتن از آسیب‌های اخلاقی و مشکلات روحی مانند افسردگی و ناامیدی تأثیرگذار باشد، فعال بودن دانشجویان در موضوعات علمی و امور تحقیقی است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اگر تو نفس را به کاری مشغول نکنی، او تو را به خودش مشغول می‌کند»^{۱۴} همچنین امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسی که اوقاتش را به بطالت و اهمال می‌گذراند، به ناچار صید شیطان خواهد شد»^{۱۵} (گیلانی، ۱۳۷۷: ۲۵۸) از پاستور نیز نقل است که می‌گفت: «بهداشت روانی انسان در لابراتوار و کتابخانه است» (مطهری، ۱۳۸۹: ۹۶۴) این مهم نیز می‌تواند توسط استاد به نحوی مدیریت شود که فعالیت علمی دانشجویان، به شکل حداقلی و صرفاً محدود به زمان برگزاری کلاس نگردد و استاد علاوه بر مطالبه از دانشجویان نسبت به فعالیت‌های کلاسی، زمینه‌ساز حضور فعال آنان در پروژه‌های مختلف علمی، تحقیقاتی و اجرایی گردد. به‌طور مثال بسیاری از اساتید در پروژه‌های علمی و عمرانی در سطح کشور حضور مفید و مؤثری دارند و گاهی اوقات دانشجویان نخبه را به همکاری در این گونه پروژه‌ها دعوت می‌نمایند. این نوع فعالیت‌ها غیر از زمینه‌سازی برای آمادگی دانشجویان نسبت به توانمندی و موفقیت شغلی در آینده و کسب تجربه در موضوعات تخصصی و علمی، می‌تواند از اتلاف وقت و مشغول شدن آن‌ها به امور حاشیه‌ای و رفتارهای ناهنجار نیز جلوگیری نماید. گاهی می‌شود فعالیت‌های علمی، پژوهشی و

^{۱۴} النَّفْسُ إِنْ لَمْ تَشْغَلْ شَغَلَكَ.

^{۱۵} وأما المهمل لا وقاته فهو صيد الشيطان لا محاله.

پروژه‌های تحقیقاتی دانشجویان را با زمینه‌های فرهنگی و ارزشی پیوند داد؛ مانند استادی که برای آزمون طراحی سازه و انجام پروژه کار مهندسی، از دانشجویانش خواسته بود تا کتاب زندگی‌نامه یک شهید را مطالعه کنند و از نکات اخلاقی و شخصیت آن شهید بزرگوار، نمادسازی و المان سازی نمایند.

تقویت صمیمیت، به‌ویژه در روابط میان فردی

ایجاد ارتباط با مخاطب لازمه تأثیرگذاری و از فنون مهم موفقیت در امر تربیت است. ارتباط صمیمی با دانشجویان و عدم نگاه اقتدارگرایانه در امر تربیت ازجمله عواملی است که زمینه را برای جلب محبت، اعتماد و تأثیرپذیری دانشجویان مهیا می‌نماید. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسی که با مردم انس و الفت داشته باشد، مردم هم او را دوست خواهند داشت» (آمدی، ۱۳۷۹ ج ۱، ص ۸۷) تجربه نشان داده که ارتباطات صمیمی به‌ویژه فردی و چهره به چهره، نقش بسیار بیشتری از ارتباطات عمومی دارد و اساتید می‌توانند از این ظرفیت تربیتی نیز به‌خوبی استفاده نمایند. برای تحقق این امر، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود. همدلی و گوش دادن فعال: شاید مهم‌ترین رکن برای ارتباط‌گیری و تأثیرگذاری بر دانشجویان، ایجاد پذیرش از طرف دانشجویان و رفع موانع ارتباط‌گیری بین استاد و دانشجو است. از آنجا که نگاه دانشجویان به فضای حاکم بر محیط‌های آموزشی معمولاً نوعی جبر آموزشی است که صرفاً باید آن را تحمل کرده و دوره آن را گذراند و مدرک آن را گرفت، اگر استاد بخواهد تأثیرگذاری اخلاقی نیز داشته باشد ممکن است با سد روانی افراد مواجه شده و کلام او کمتر موردپذیرش قرار گیرد. اینجاست که استاد می‌تواند با ایجاد زمینه برای اظهار عقیده و سخن گفتن دانشجویان و شنیدن و همدلی کردن با آن‌ها، بین خود و احساسات، عواطف و علائق دانشجویان، ایجاد و اظهار سنخیت نماید تا در مقابل نیز دانشجویان، به جهت احساس اشتراک افق دید با استاد و نزدیکی عاطفی و روانی، به شنیدن کلام وی مشتاق گردند. گوش دادن فعال، همدلی و ارزش قائل شدن برای مخاطب، علاوه برافزایش اعتمادبه‌نفس متعلم و تقویت روحیه نقادی وی، یکی از بهترین روش‌ها برای ایجاد اعتماد و روابط دوستانه است. ارائه مشاوره‌های خارج از کلاس: یکی از راه‌های اثرگذاری استاد بر دانشجویان، ارتباط‌گیری در حاشیه قبل و بعد از مباحث کلاسی است. مناسب است که اساتید گرمی زمینه را برای ارتباط دانشجویان با خود به شکل شفاف و آسان مهیا نمایند تا دانشجویان بتوانند مشکلات مختلف علمی و غیر آن را با اساتید، مطرح کرده و از آن‌ها راهنمایی بجویند. درگذشته تاریخی ما و بسیاری از کشورهای دارای سابقه آموزشی، همیشه استاد به‌غیر از جنبه‌های علمی دانشجو به دیگر جنبه‌های زندگی او نیز توجه می‌کند و هدایت‌گری و رفع مشکلات و معضلات زندگی و ارائه راهکارهایی برای بهتر

زیستن شاگردان را نیز بر عهده می‌گرفته‌اند. معمولاً فضا برای ارتباط دانشجو با استاد مهیا است و فرصت مناسبی برای مباحث حاشیه‌ای در نظر گرفته می‌شد. امروزه به جهت مشغولیت‌های زیاد اساتید و بعضاً فعالیت‌های اقتصادی خارج از دانشگاه، کمتر استادی زمان تعهد داده‌شده به دانشگاه را کامل می‌کند و از این‌رو فرصت کمتری برای حضور در دانشگاه و ارتباط با دانشجویان خواهد داشت. معمولاً بهانه اساتید برای این موضوع مشکلات مالی و مسائل اقتصادی است که باید در کنار اصلاح امر معیشت، تغییر نگرشی در بین اساتید ایجاد گردد تا بیشتر با این رسالت خود آشنا شوند و برای آن نیز فرصت لازم را اختصاص دهند. نخبه پروری: اساتید می‌توانند در کنار تأثیرگذاری‌های عمومی خود بر روی دانشجویان، ارتباطات و فعالیت‌های میان فردی را نیز با در نظر گرفتن توانایی‌های شخصی افراد، در برنامه تربیت خود جای داده است و برای رشد فکری و اخلاقی آن‌ها، تلاش نمایند. استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علمی نیروهای خلاق و اهل فکر دانشجویی در میان اقشار عام دانشجو، تربیت نیروهای توانمند علمی، فکری و فرهنگی و به‌کارگیری و فعال نمودن بیشتر نیروهای نخبه و ارتباط نزدیک و مستمر با آنان از جمله اهداف این نوع ارتباطات است. استاد می‌تواند افراد مستعد را در کلاس شناسایی کرده و با ارتباط‌گیری و صمیمیت، پی‌جویی احوالات علمی و اخلاقی آن‌ها گردد. در این‌بین می‌توان به رفع نیازهای فکری، روحی و حتی مادی آن‌ها نیز توجه کرده و زمینه‌سازی نمود. به‌عنوان مثال، استاد می‌تواند سیر مطالعاتی و اندوخته‌های معرفتی دانشجویان علاقه‌مند به موضوعات خاص علمی و فرهنگی را به سمت مطلوب، جهت‌دهی نموده و آن‌ها را برای همکاری در پروژه‌های علمی و اجرایی، دعوت کند و یا به مراکز علمی تحقیقاتی معرفی نماید. یا حتی بعضاً پیگیر امر ازدواج، اشتغال و ارتقاء تحصیلی دانشجوی خود باشد. البته چنین طرحی می‌تواند به‌صورت رسمی و با کمک مجموعه‌های فرهنگی دانشگاه نیز پیگیری شود بدین شکل که عده‌ای از دانشجویان علاقه‌مند و باانگیزه شناسایی‌شده و به یک استاد متعهد و متخصص سپرده می‌شوند تا به تعلیم و تربیت آن‌ها در طی دوره مشخص‌شده بپردازد (در برخی دانشگاه‌ها، چنین طرحی با عنوان استاد مشاور فرهنگی به اجرا گذاشته‌شده است). توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که عدم همسانی جنسیتی استاد و دانشجو در ارتباط‌گیری‌های فردی، صمیمیت با دانشجویان و یا مشاوره‌های خصوصی و... را بعضاً با تبعاتی همراه خواهد کرد که گاه اصل هدف اساتید برای تأثیرگذاری اخلاقی بر دانشجویان را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. پیشگیری از وقوع چنین پدیده‌هایی نیازمند توجه ویژه به حفظ حریم‌ها و حرمت‌ها است. زمینه‌سازی برای چنین روابطی خصوصاً برای اساتید جوان به‌هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود. بنا بر آموزه‌های دینی، ضمن اینکه باید همواره خود و دیگران را در معرض خطر نفوذ و وسوسه شیاطین و نفس اماره بدانیم، حفظ آبرو و دوری از مواضع تهمت نیز از جمله وظائف

ما در ارتباط با دیگران شمرده شده است. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد، نباید کسی را که به او گمان بد برده است، سرزنش کند» (بحار الأنوار، ج ۷۵: ۹۰)^{۱۶}. مناسب است که در این گونه موارد و احساس ضرورت ارتباطی از طرف استاد و یا احياناً مطالبه دانشجویان، به آداب اخلاقی ارتباط با غیر هم جنس ملتزم باشیم و در روابطی که اقتضای صمیمیت و ارتباط طولانی و خصوصاً در خلوت دارد، دانشجو را به اساتید هم جنس و یا مراکز مشاوره ارجاع دهیم. استفاده از فضای مجازی برای ارتباط با دانشجویان: باوجود عصر ارتباطات و دسترس پذیری ساده و با کمترین هزینه از وسایل ارتباط جمعی، متأسفانه هنوز اساتیدی هستند که با این ابزار آشنا نیستند و یا تمایلی برای استفاده از آن ندارند. به همین جهت راههای ارتباط دانشجویان با ایشان فراهم نیست و دسترسی به استاد با دشواری فراوانی ممکن است. در مقابل نیز اساتید بسیاری به نحو مطلوب از این امکانات استفاده می کنند و به اشکال مختلف زمینه را برای ارتباط با دانشجویان مهیا می کنند. در دسترس بودن استاد برای دانشجویان به غیر از اینکه خود یک حرکت اخلاقی است و می تواند نشانگر فضائل اخلاقی مانند تواضع، گرایش به شفافیت و تقویت احساس مسئولیت سازنده در دانشجویان باشد، خود می تواند زمینه ساز صمیمیت، هدایت اخلاقی و ارائه مشاوره های فکری و فرهنگی گردد. برای پدید آمدن چنین فضای ارتباطی در بین اساتید و دانشجویان خود اساتید نیز می توانند پیشگام و زمینه ساز باشند. از آنجاکه مدت ارتباط استاد با دانشجو در دانشگاه، حدود یک یا چند ترم آموزشی است و متأسفانه فرصت پدید آمده برای آشنایی استاد با دانشجویان و ارتباطات اخلاقی و فکری آن ها با یکدیگر بعد از گذشت این زمان از بین خواهد رفت، اساتید می توانند با تشکیل گروه های مجازی و یا صفحه و کانال، این ارتباط را استمرار دهند و در طول سالیان ارتباط با دانشجویان جدید، جمعیت مخاطبین گذشته را نیز به همراه خود داشته و بدین سبب نقش آفرینی دوچندانی در زندگی پیش روی دانشجویان ایفا نمایند. البته زمینه و موضوع تشکیل گروه ها و کانال ها در فضای مجازی لزوماً نباید مباحث غیردرسی باشد، بلکه به طور مثال تشکیل گروهی با محوریت موضوع درس و طرح مباحث علمی در آن و یا راه اندازی سایت و وبلاگ مرتبط با موضوع درسی و ارجاع دانشجویان به آن ها برای تکمیل نکات آموزشی و دریافت جزوات و پاسخ به سؤالات و ... به طور ناخودآگاه در طول زمان، می تواند بستر ساز ارائه دیگر مباحث برای خوانندگان و نیز هدایتگری اخلاقی گردد. بدیهی است که هر چه دامنه ارتباط استاد با دانشجو بیشتر شود، زمینه استفاده اخلاقی و تبادل اطلاعات نیز بیشتر خواهد شد. چه بسیار دانشجویانی که در سالیان متمادی، با استاد محبوب و تأثیرگذار

۱۶ مَنْ وَقَفَ نَفْسَهُ مَوْقِفَ التَّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنُّ.

خود مرتبط هستند، در برهه‌های مختلف زندگی از او مشورت می‌گیرند، بهره‌های فراوان می‌برند و شیوه‌ی زندگی آموخته‌اند. توجه به ارزیابی دانشجویان و در صورت امکان، ارزیابی مستقل در آخر ترم با سؤالات هدف‌گذاری شده و ترجیحا کیفی (توصیفی) و به‌ویژه ارزیابی اخلاقی از کلاس و نحوه برخورد استاد با دانشجویان نیز می‌تواند ازجمله راهکارهای شناسایی موانع ارتباط مؤثر در روابط استاد و دانشجو، تقویت امتیازات اخلاقی و اصلاح نقایص باشد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا ضمن توجه به اهمیت و شدت تأثیرگذاری اخلاقی اساتید بر روی دانشجویان، به راهکارهای مناسب و بستر آفرین در این زمینه نیز اشاره شود. در این راستا، به پنج عامل اساسی تأثیر یعنی آمادگی‌های روحی و نگرشی، هدایتگری کلامی، تربیت عملی، فعالیت‌های علمی و تقویت صمیمیت، به‌ویژه در روابط میان فردی پرداخته شد. درنهایت ضمن یادآوری این نکته که مطابق با فرمایشات مقام معظم رهبری، یکی از بایسته‌های تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی، توجه به اخلاق، معنویات و سبک زندگی اسلامی است و دستیابی به چنین آرمانی، بدون حضور دانشجویان و دانشگاهیانی عالم، متخلق، متدین به باورهای والای اسلامی و مفتخر به هویت میهنی به‌عنوان سربازان جنگ نرم علیه دشمن ممکن نخواهد شد، سخن را با کلامی از ایشان به پایان می‌رسانیم: «استاد می‌تواند دانشجوی خود را متدین بار بیاورد؛ چنان‌که می‌تواند منکر همه مقدسات هم‌بار بیاورد. استاد هم می‌تواند دانشجو را یک انسان دل‌بسته و مباهات‌کننده‌ی به کشور بار بیاورد، هم می‌تواند یک انسان لاابالی، بی‌علاقه، نا دل‌بسته‌ی به میهن و به گذشته و آینده کشور بار بیاورد. اعتقاد من این است که درزمینه‌ی تبلیغ دین، مؤثرترین وسیله‌ای که می‌تواند دانشجو را دینی و علاقه‌مند به مبانی دینی بار بیاورد، همین نکته‌ها و اشاره‌ها و کلمه‌هایی است که یک استاد می‌تواند در کلاس با شاگردان خود در میان بگذارد؛ اشاره‌ای از یک استاد گاهی اوقات تأثیرات عمیقی در دل می‌گذارد اما گاهی عکس آن دیده می‌شود»^{۱۷}

^{۱۷} از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با استادان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

منابع

۱. احمدی، حسن و بنی جمالی، شکوه السادات. (بی تا) روانشناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک. تهران: چاپ و نشر بنیاد.
۲. ایسنا (۱۳۹۷). دانشگاه‌های ایران به روایت آمار و ارقام، دسترسی از:
<https://www.isna.ir/news/97030804268>
۳. آمدی، غرالحکم (۱۳۷۹). ترجمه رسولی محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۴. جوادی آملی (۱۳۹۳). درس تفسیر، دسترسی از:
<http://eshia.ir/feqh/archive/text/Javadi/tafsir/93/930726/Default.htm>
۵. خبرگزاری رسا (۱۳۹۸). علوم دینی دانشگاه‌ها را اسلامی می‌کند. علم دینی منحصر در تفسیر و حدیث نیست، دسترسی از: <https://rasanews.ir/fa/news/627244>
۶. خبرگزاری مهر (آذر ۱۳۹۳). مهم‌ترین عامل وحدت حوزه و دانشگاه، همان علم دینی است، دسترسی از: <https://www.mehrnews.com/news/2446471>
۷. شجاعی، محمد صادق. در آمدی بر روانشناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی (۱۳۸۸). قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
۸. شهید ثانی. آداب تعلیم و تعلم در اسلام. ترجمه کتاب منیه المرید (۱۳۸۹)، مترجم سید محمدباقر حجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۹. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (۱۴۲۷ هـ)، بیروت: دار المرتضی.
۱۰. ف (امیدوار)، آ. اخلاق تدریس (۱۳۹۰). قم: دفتر نشر معارف، قم.
۱۱. کریمی، یوسف. روانشناسی اجتماعی نظریه‌ها مفاهیم کاربردها (۱۳۸۲). تهران: ارسباران.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی (۱۳۶۹). تهران: نشر علمیه اسلامیه.
۱۳. گیلانی، عبد الرزاق. شرح (ترجمه) مصباح الشریعه (۱۳۷۷). تهران: انتشارات پیام حق.
۱۴. مجلسی، محمدتقی. بحار الأنوار (۱۳۶۲ ق). تهران: دارالکتب اسلامیه.
۱۵. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار (۱۳۸۹). قم: صدرا.
۱۶. نهج البلاغه